

وضع دهقانان و وظایف ما

بحران رژیم بر اثر سیاستهای جنگ افروزانیه ضد مکرراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی هروژندت وحدت بیشتری می گیرد. از این رهگذار و وضع کشا ورزی کشور ما فاجعه با رونگران کشته شده است. اقتصاد کشا ورزی کشور ورشکسته و بیبشتر احتیاجات اصلی مردم در این عرصه حیاتی از خارج وارد میشود. رژیم جمهوری اسلامی خود، عامل اصلی جنسیتن وضعی است.

بخشی زدی از زمینهای مصادره ای و کشت موقت با احکام دادگاههای آخوندی وتوسط باسداران وژاندارمها به بزرگ مالکان بازگردانده شده است. رژیم کلان تاجران و بزرگ مالکان نه می خواهد و نه می توان شنیدنی زهای تولیدی دهقانان را تا مین کند. کمبود کود، بذر، سموم دفع آفات، سوخت، قطعات یدکی ماشین آلات کشا ورزی، وام و غیره کشت وکار دهقانان را مختل کرده و تولید آنها را بانه است. هرج و مرج در بازار فروش و قیمت محصولات کشا ورزی بیدادی کند. فعالیت گسترده سلف خزان و واسطه ها عرصه را بر دهقانان زحمتکش تنگ کرده و اندک حاصل دسترنج کار طاقت فرسا و شبانه روزی آنان توسط واسطه ها و میدان دارها بروده می شود. این در حالی است که دهقانان مجبورند بسیاری از نیازهای اولیه معیشتی خود را از بازارهای بی قیمتستهای چندبیرا بخرند.

دهقانان بی زمین و کم زمین و محروم از امکانات که قادر به تامین حداقل معاش خود نیستند، گروه آزروری ناچار به شهرها مهاجرت می کنند. آنها در بیخونه ها و حلقی آبادهای حاشیه شهرهای بزرگ با حداقل امکانات زندگی می گذرانند و جودای سربینا آنها توسط دژخیمان رژیم بر سرشان خراب می شود.

وضع بهداشت و درمان، آب آشامیدنی، مدرسه و حواصا بریتیا زهای ابتدایی زندگی در روستا های کشور به معطلی بی سابقه بدل شده است. میزان مرگ و میر کودکان در روستا نشینان افزایش چشمگیری یافته و بیماری های واگیر خطرناک شیوع پیدا کرده است. دهات کشور جولانگاه دهقانان رنکارنگ رژیم است که هریک سازخود را می زیند و هر کدام سیاستی با ب طبع و مطابق سلیقه خود را پیش می برند. آنها به فکر دهقانان نیستند و بر سر تثبیت موقعیت این یا آن جناح و این یا آن گروه به جنگ و دعوا مشغولند. رژیم جمهوری اسلامی هیچ سیاست و برنامهای برای بهبود وضع کشا ورزی، دهقانان و دهات کشور ندارد.

رژیم بدلیل حمایت همه جانبه از بزرگ مالکان وکلان سرمایه داران، جنگ افروزی و بی برنامگی در همه زمینه های اجتماعی و اقتصادی، عامل مسئول اصلی وضع اسفناک روستا های کشور است. این رژیم با شتاب در مصادره زمین و اوضاع روستاها به وضع سابق است تا بزرگ مالکان را راضی کند، امروستاها را بدست آنها بسپارد و دهقانان را با سرکوب و ارعاب مطیع سازد. رژیم قیمینی قادر نیست نیازهای تولیدی دهقانان را تامین کند و عمران و بهزیستی در روستاها بوجود آورد. بین رژیم نمی توان حداقل امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان خرد را بوجود آورد. وضعیت محصولات تولیدی دهقانان را تثبیت و تضمین کند. نمی توانند از آراسیا راه را که گردانندگان و کارگران رژیم با مل ایجاد شده است، از میان بردارند و دست واسطه ها و سلفتخرن زالویت را از سر دهقانان زحمتکش کوتاه کند و بهداشت و درمان حداقل

را برای روستا نشینان میهن ما تا مین نماید. این رژیم ضد مکرراتیک و آزادی کش است از متشکل شدن و اقدام جمعی دهقانان هراس دارد. مانع ایجاد هرگونه شکل دموکراتیک دهقانی است. شوراها را روستایی حامی مردم را می کوبد و جلوی کار آنها را می گیرد. شوراها را حامی و مطالبات فرما نبرد را خود می خواهد پس، اعتراض و مطالبات دهقانان و مبارزه آنها علیه بزرگ مالکان را سرکوب می کند. سیاستها و اقدامات این رژیم ضد دهقانان و مطابق سلیقه و میل مالکوسرما یه داران بزرگ است. رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی فقط به فکر سرکشیه کردن دهقانان و اعزام اجباری فرزندان آنها به جبهه های جنگ بی بازگشت است.

با توجه به وضع موجود، دهقانان زحمتکش باید در مقابل احکام دادگاههای آخوندی و بازگشت بزرگ مالکان به روستاها با بستند و دستا وردهای مبارزه خود دفاع کنند. برای تحقق شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند متحصنا بپایزند. دهقانان زحمتکش و مبارز باید شوراها را روستایی حامی رژیم، شوراها را طرفدار حکومت و ضد دهقانان شنند. افشا کنند و فرادست به حکومت را از آنها بیرون بریزند. اجازه ندهند این شوراها برای رژیم جاسوسی کنند، فرزندان شامل شان را معرفی کنند، نقش کدخداهای سابق و خانه های باصلاح آنها را از میان بیاورند و مردم را برای تظاهرات فرمایشی حکومت بسیج کنند. باید از شوراها ای که مرتبط و متکی به مردم هستند، در مقابل حکومت می ایستند، از خواستهای مطالبات دهقانان دفاع می کنند، و ضد بزرگ مالکان هستند، دفاع کنند. شوراها را روستایی واقعی باید مدافع دهقانان باشند و سیاستها دست رژیم و ارگانهای آن، باید از منافع دهقانان زحمتکش روستاها دفاع کنند و برای مردم روستا کار کنند. نه اینکه عامل جاسوسی رژیم بی اراده حکومت باشد. روشنفکران روستایی، به همراه دهقانان مبارز، باید در جهت تقویت شوراها را مردمی روستا و تشکیل اتحادیه های دهقانی تلاش کنند. اتحادیه دهقانی تشکیل صنفی - سیاسی و مستقل دهقانان است که اقشار کم زمین و بی زمین روستاها نیروی اصلی آنها را تشکیل می دهند. این اتحادیه ها دهقانان را برای تحقق خواستهای صنفی سیاسی مشترکشان متشکل می کند. مبارزه آنها را از زحمت بیرون می آورد و مجتمع می سازد، در حال کار با بدبختترین و فقیرترین دهقانان بود. شکل گیری اتحادیه بدوای می تواند از جذب عنصر بی اعتماد و مبارز روستایی آغا زودبیه مرورا فرادجذبیده آن جذب گردد. در اوایل کار وظایف محدودتری را بعهده گیرد، و متعاقب با شرایط فعالیت خود را گسترش دهد.

اتحادیه دهقانی باید بکوشد تا مطالبات و خواستهای سیاسی صنفی دهقانان زحمتکش را هماهنگ سازد، اعتراض و مبارزه آنها علیه بزرگ مالکان را حایان آنها را در سطح وسیعی تراز یک روستا سازمان دهد و آنها را نسبت به حقوق خود آشنال مناسب مبارزه آگاه سازد. اتحادیه مبارزه دهقانی وظیفه هدایت و سازماندهی مبارزه اقشار روستاگون دهقانان، وظیفه راهتمایی سیاسی و کنترلی جنگی فعالیت سائرتشکلهای روستایی را به مردم روستا می گرداند. وظیفه مبارزات دهقانان زحمتکش سمت سیاسی و طبقه ای می دهند. افراد مبارز روستاها در اتحادیه روستاییان که طبعی سالیهای اخیر درون شوراها برای مردم کار کرده اند، و تجربه اندوخته اند، برای فعالیتها

سازمانگرا نه در روستاها مناسب تراند. از طریق تماس با اینگونه افراد و سازمانها می توان سیاستهای دهقانی را در دهات پیش برد و به جگرا تومبارزه دهقانان سمت و سوداد.

ضرورت و طرق افزایش کار انقلابی در روستاها

شرایط کنونی از ماکار فعال و بیکیبرد روستاها را می طلبد. رفقای که در روستاها مراکز بخشها و شهرها فعالیت دارند، چه آنها که با تشکیلات مرتبط اند و چه آنها که قطع ارتباطند، باید تلاش و کوشش خود را بیش از پیش به افشای رژیم در میان دهقانان، آگاه ساختن آنها و تامین ارتباط با روستاها متوجه سازند. و از همه امکانات و طرق در این رابطه سوچوبند.

از طریق معلمین روستایی، محصلین روستا - زادگان جوان که برای کار روستاها به شهرها می آیند و کارمندان که به کفاقتها شغل خود را روستا رفت آمد می کنند، ریش سفیدان و افراد مترقی و مورد اعتماد روستاییان که در دهات سکونت دارند، روستاییانی که به جبهه ها اعزام شده اند، حاشیه نشینان شهری که اغلب مهاجرین روستاها هستند. کارگران قطعی و کارگریانی که با روستاها ارتباط دارند، و سایر طرق استکاری، به سازماندهی مبارزه دهقانان و آگاه سازی آنها بپردازند و سیاستهای جنگ افروزانیه، ضد کارگری و ضد دهقانی رژیم را افشا نمایند. شوراها را با بسته به حکومت را افشا کرده و بر ضرورت مبارزه متحد دهقانان و ایجاد اتحادیه های دهقانی تأکید کنند. مطابق با وضع ویژه هر منطقه سبیل و مشکلات دهقانان در آن مکان سیاستهای سازمان را با اوضاع انطباق داده و خلاصان شعاری بسیج گرا در لحظه ی مناسب طرح و تبلیغ نمایند.

رفقا و همزمینان! اخبار مبارزه و مطالبات دهقانان را برای سازمان گزارش کنید. برای برخورد به موقع و واکنش سریع در مقابل خواستها و مبارزات دهقانان زحمتکش در مقابل ضروری است اطلاعات و اخبار روزه و دقیقیت آنها و مبارزه دهقانان در مناطق گوناگون درست داشته باشیم. به این خاطر باید سازماندهی کسب خبر از مطالبات و مبارزه اقشار گوناگون دهقانان و کارگران کشا ورزی، اشکال و شیوه های مبارزه آنان و چگونگی تشکیلها موجود در روستاها و نحوه کار آنها، همچنین فعالیت ارگانهای مختلف حکومتی و سیاستی رژیم در روستاها، توسط رفقا بطور جدی پیگیری شود.

جمع آوری این اخبار و اطلاعات به روشهای گوناگون و با یکی، تنظیم گزارشهای خبری و ارسال سریع و به موقع آنها برای دستگاه رهبری سازمان و وظیفه ای انقلابی و بسیار مهم است.

سیاستهای جنگ افروزانیه، ضد مکرراتیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی، اوضاع اسفناک روستاها و وضع فاجعه بار کشا ورزی کشور، دهقانان زحمتکش را هر چه بیشتر از این رژیم ارتجاعی و جنگ افروزی رویگردان کرده و می کوبد. بر بستر چنین اوضاعی زمینه برای کار فعال روستاییان به روستاها پیش از پیش فراهم می شود و مبارزه دهقانان هر چه بیشتر جنبه سیاسی می یابد.

در شرایط حاضر باید فعالانه و بیش از پیش در جهت کار آگاهان و سازمانگرا نه در روستاها، بخصوص روستا های بزرگ حاشیه شهرها، با سمت بسیج همه خلق در راه سرنگونی رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی بکوشیم.

میل و اراده از کار بیکاری شود، کار فرما موظف است که خسارت بیکاری کارگر را بپردازد، اما وقتی که بیاید این را در پوشش بیمه بیکاری انجام دهد و در صدد را بستن حق بیمه برداخت کند، و الا از برداخت یک وجه بسیار زیادناگهان دور است. ثانیاً ممکن است میزان برداخت حق بیمه هرگز معادل خسارتی که کار فرما با بخت بیکاری شدن کارگر می بردارد نباشد. ... بعدها در اردیبهشت ۶۶ آقای سرحدی زاده در کلابه از شورای نگهبان اظهار داشت: "شورای نگهبان واقعا توجه کند. ما قانون بیمه بیکاری را بگونه ای تنظیم کردیم که غالباً خود کار فرما با ن (چهار زبخت دولتی و چه از بخت خصوصی) به این امر مضایقت داشتند. ... جلب رضایت کار فرما را (دولتی و خصوصی) که شورای نگهبان خواهان تا مین هر چه بیشتر آن بود، در لایحه مواد تصریحها منعکس شده است، اینها قانون دامنه شمولش آنها را محدود است که تنها بخش ناچیزی از صدها هزار کارگر خارجی و میلیونها بیکار را شامل می شود. مشروط کردن برخورداری از حق بیمه بیکاری به برداخت حق بیمه از سال ۶۵ در شرایطی که بخش مهمی از کارگران زیر پوشش بیمه بقیه در صفحه ۵

صرفه بود. لذا شاعر بیمه بیکاری که از سال ۵۸ شاعر کارگران بیکار بود، توسط رژیم به صورتی عوام فریبانه سرهم بندی گردید و تحت عنوان قانون بیمه بیکاری آرایه شد. این قانون در راستای "سیاست نوین اقتصادی" تنظیم شد و در واقع معنی برای رژیم جهت تدویم اوضاعی وسیع ناشی از بحران سیاست جنگی آن است. قانون نه برای تامین زندگی حداقل کارگران در مدت بیکاری و تامین شرایط لازم برای اشتغال مجددشان بلکه برای مشروعیت دادن به اخراجها، صرفه جویی در هزینه اخراجهای وسیع (در مقایسه با بازخرید) و پیگیری از اوگیری اعتراضات کارگری است. از طرفت مسئولین مملکتی نیز بنویسید خود مقصود ارتجاعی این قانون را روشن می کند. درصاحب روزنامه که بیانه ۱۵ دی ماه ۶۵ با اعضای کمیسیون کار و امور اجتماعی و استخدای این مجلس شورای اسلامی چنین اظهار شده است: "این لایحه برای دولت بار مالی ندارد، روشی که این لایحه در تامین هزینه های خود را بدین است که از کارگر و کار فرما حدود صد درصد حق بیمه می گیرد که همین وجه را در واقع ببنوان حق بیکاری به افراد بیکار می دهند." سپس ادامه می دهد: "بر اساس قانون کار اگر کارگری بدون

بیمه بیکاری، اهداف و نحوه اجرای آن

لایحه بیمه بیکاری مصوبه مجلس شورای اسلامی هتا بیداکثرتی شورای نگهبان رسید. محمد سلامتی معاون پارلمانی وزارت کار اظهار داشت که دستور عمل های اجرایی این قانون ظرف مرداد ماه توسط وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی تهیه و به اجرا گذاشته می شود.

طرح لایحه بیمه بیکاری از طرف وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب آن از طرف مجلس شورای اسلامی به دنبال شکست سیاست باز خرید و نیز تقرون ه صرفه نبودن آن بود که از طرف رژیم جمهوری اسلامی پذیرفته شد. رژیم که با تشدید بحران بیکاری واجه است، برای انتقال بیش از پیش بار بحران اقتصادی بر دوش کارگران و در عین حال تعدیل سلف لوه های عریان این قشر بیمه بیکاری را جایگزین "باز خرید" کرد. مضافاً بر اینکه پذیرش برداخت حق بیمه بیکاری توسط رژیم با توجه به نگرانی از چشم انداز گسترش اعتراضات توده ای کارگران برآمد احتمالاً جنبش بیکاران در آینده، از نظر سیاسی نیز نسبت به "باز خرید" بیشتر مقرون به

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را سوزی با زمان ما یک مجموعه شامل پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و استناد و مقالات معتبر بدین مناسبت منتشر میگردد. در اینجا مقدمه مجموعه فوق بانگدگی اختصار درج میگردد.

هفتاد سال پیش آنگاه که ناسیونالیسم روسی با انقلاب سوسیالیسم را به بشریت بشناسان داد، برستان خیزش انسان انقلابی معاصر برای ساختن آگاهانه تاریخ آغاز شد. تمدن بشری به مرحله خورشید تاریخی نوین گام گذاشت. سوسیالیسم با شعار همه سزیه‌ها ما انسان، همه چیز در خدمت بهروزی انسان "درفش انسانی کردن تاریخ را بر سر ما گیتی به اهرت زدن آورد.

سزیه‌ها ما انسان گزافانه سوسیالیسم اکنون با روند "سوازی" جلوه آشکار ترس و همه جانبه تری پیدا می‌کند. "تفکر نوین سیاسی" که سوازی بر بنیان آن شکل یافته است، متوجه شناختن دیاکتیک طبقاتی و عموم بشری در مبارزه سراسری با ساداری ارتزنگی و اعتلای مقام انسانی است.

زمین خانه انسان و عرصه زندگی اوست. چگونه میتوان در بارها پندگسی زندگی انسان و اعتلای مقام انسانی اندیشید بدون دیدن جهان، پس ابتدا باید دنیای نوین را مشاهده کرد.

"دنیای نوین پیچیده، گوناگون و متحول بوده، دستخوش تضادها و گرا پشاهی متناقضی است. دنیای نوین، دنیای یفرنج ترین سرنوشتها، بیم‌ها و امیدها است. هیچگاه زمین ما چنین در معرض فشار سیاسی و مادی نبوده است. هرگز انسان این همه طبیعت ستانده‌ها و این همه در قبال نیروهای خود آفریده زخم پذیر نبوده است. زمین جهان معاصر در همبستگی متقابل سرشار از یفرنجی و پیچیدگی، وحدت و مبارزه انداخته دینگرش بر این پایه به پیشرفت روند انقلابی جهان معاصر چینی است. آموزش نخست، تفکر سیاسی نوین

برای سوازی ضرورت حیاتی دارد و که واقعیت‌های سوسیالیسم واقعاً موجود از موضع تسخیر کننده و ارضی شوند و خلافتان مورد انتقاد در کبرند. اقتدار، شکوه و درخشندگی انقلاب اکتبر و آفریده آن نیا پدیددگان رهبران و انگ سواز، سوزیه اگر زیاد تیریم که راه طی شده را خلق شوروی از گذرگاههای نایبموده و صعب که خیال رهبران در کمین و کمان بوده اند، پشت سر گذاشته است. مهم‌ترین سوازی سوسیالیستی از شمول قانون وحدت و مبارزه ضد استبداد است. این است که "سوازی" علیه همه آن عوامل عینسی و ذهنی است که در راه پیشروی سوسیالیسم ترمز گذاشته و می‌گذارد. از اینجا رفرترین معنای "سوازی" مستقادمی شود: سوازی یعنی سوسیالیسم بیشتر.

حزب لنین که برای نخستین بار دموکراتیسم واقعی، یعنی حاکمیت خلق مولد و زحمکش را به جهان عرصه داشت، امروز در پیش سوازی به مفهوم

دموکراسی سوسیالیستی ابعاد تازه‌ای بخشیده است. سوسیالیسم همانگونه که بیشتر تقسیم، آغاز فرینش آگاهانه تاریخ توسط انسان بود. سوازی که متوجه سوسیالیسم بیشتر در اتحاد شوروی است، بدان معناست که انسان شوروی نقش آگاهانه تر و متعین تری در روند سوازی

سوسیالیستی جامعه بر عهده می‌گیرد. در اینجا مفهوم دیگری از سوازی سوازی نیا رزمی یابد: سوازی یعنی دموکراتیک تیرزه کردن هر چه کسترسه تر و زرفتر شوروی سوسیالیستی. در حقیقت سخن بر سر انتکشاف دیاکتیک دموکراسی

دولت خدمتکار آخوندها و سرما به داران که قسا در نیست هزینه‌های نزا پنداره که به دلیل ادا مه جنگ ارتجاعی، هزینه‌های ارکان‌های سرکوب پلیسی، کسترس بی رویه دستگا‌ها داری و غیره سره فلسفست می‌زند، از طریق درآمد منفعت، مالیات‌ها و سایر سر درآمدها تا مین نماید، به دریا فت قرض از سیستم بانکی روی آورده است. بر دشت از سیستم بانکی در واقع جاب آگناس بدون نیا ز اقتصاد بی‌ان است که موجب تشدید تورم می‌شود.

بررسی بودجه کل کشور نشان می‌دهد که بخش اصلی آن را درآمد‌های حاصل از فروش نفت تا مین می‌کنند. تک مولی بودن اقتصاد کشور و وابستگی آن به سه صدور نفت، خوب خود را تا مین سوازیات مسدود و قیمت نفت می‌کند. در نتیجه با کاهش قیمت نفت در بازار جهانی در سال‌های اخیر مشکلات مدور آن به دلیل ادا مه جنگ، درآمد‌های آرزو کسترسه شدت کاهش یافته است. علاوه بر آن محاسبه قیمت نفت با دلار آمریکا تا وقت آرزش برابر بری دلار به مقدار در حدود ۳۰ درصد در مقابل دیگر ارزها، قدرت خرید همسان مقدار آرزو را نیز که به دست می‌آید، شدیداً پائین آورده است. این امر اقتصاد کشور را در مقابل بحران عمیق و ورشکستگی کامل قرار داده است.

دولت ارتجاع در مقابل بله با بحران ناچار شده به اقداماتی دست زند. هم‌این اقدامات معسرانی ضد مردمی داشتند. از جمله هزینه‌های معسرانی کم‌شدن دموکراسی تنه با "مشاورکت" مردم مکان پذیر اعلام شد. یعنی این بخش از هزینه‌های دولت بر دوش زحمتکشان که آهی در بساط ندارد، منتقل گردید. علاوه بر آن هزینه‌های مربوط به خدمات دولتی و از جمله خدمات پزشکی نیز به عهده آن گذارده شد. همچنین مالیات‌ها به شدت بالا رفت.

با توجه به اینکه مالیات نیز عمدتاً "به مسورت مالیات غیر مستقیم دریا فت می‌شود و در آن نیز بر قیمت کالاها افزوده می‌گردد، بر دشت مالیات و افزاییده آن بر عهده کارگران و زحمتکشان گذاشته شد. اقدام دیگر کاستن از تعداد دنان خوراه، یعنی سوازی خارج وسیع کارگران و کارمندان بخش دولتی بود. کسترس ما در آن غیر رفتی، کنترل قیمت‌ها و مبارزه با کارگران فروشان، تغییر سیاست مالی بانکها در دادن اعتبار به بخش تولیدی و غیره از جمله سوازی سیاست‌های ضدتورمی رژیم بود.

سوسیالیستی، و در این رابطه رشد و تکامل ضمانت‌های اجتماعی، آزاد پشاهی سیاسی و حقوق قضایی یک شهروند جامعه سوسیالیستی شوروی است. لیکن بدین معنی است که مضمون عملی این حقوق و آزادیها چیزی آبدی - ازلی و منجمد نبوده است. کسترس از تمام مجموعه شرایط واقعی تاریخی، هم‌عینی وهم ذهنی، برای سوازیالیسم، انسان و بالاترین آرزش به شکار می‌رود. سوازیالیسم در چارچوب کلی، بلکه به مشخص ترین صورت یعنی به صورت فردی، این است مفهوم مرحله کنونی رشد و تکامل دموکراسی سوسیالیستی.

رواج مستمر به زندگی همیشه جوشان برای شناخت واقعیت‌های نویسن دستیابی به حقیقت زنده‌ها تی نواندیشی و نوسازی است. نیا پدیدرگر کرد که جهان در دهه ۸۰ دیگر آن چیزی نیست که در نخستین دهه‌های قرن بیست بود. سرعت و تراکم تغییرات به راستی بی سابقه و حیرت انگیز است. روند انقلابی در جهان در کشش تضادها و ظهور ویرسعت و تراکم تضادها نیا نیا تحولات ناگزیر از پیشروی است. سوازیالیسم که دیر و زود صحیح و قاطعانه با تحولات وحل مسایل ناشی از آن بودند، امروز کشته و بازدارنده حرکت به پیش می‌توانند زکا در آید. بدین معنی است در دوران ما که تحولات انقلابی در جامعه مناسبات میان طبقات، خلقها و کشورها، و در عرصه سیاست، اقتصاد، علم و فن بدینگونه برشتاب تراکم می‌یابند، این چشم‌انداز زگشوده شوک‌گردها نیا پیشتا زروندا انقلابی جهان معاصر به مرحله نویسی ارتکامل دانش شوروی گام بگذارند.

هم‌اکنون آشکار شده است که پیشروی سوازی سوسیالیستی در جامعه شوروی نیا زمند ما رزمی امان با دکما تیرم و نظرات دورا زندگی و شما‌های بی‌جان است. سوازیالیسم بیشتر نیا زهای عینی ظهور و روبروست که با سخگویی به آنها در گروتیبین جا معده شناختی، فلسفی و شورویک آنها سبت. برای نگاه واقعبینی تحول یافته و ظهور در خدمت با پندگی و پویندگی زندگی انسان و اعتلای مقام انسانی در آید، قاشومندی‌های تحول آنها با پدیدر آحا طه کامل آگاهی بشریت ترفیخواه قرار گیرد. کاش پویا و پیرشمر علوم اجتماعی مارکسیستی - لنینیستی از همین جاست.

آینده سوازی شوروی سوسیالیستی با آینده سوازی انقلابی جهان معاصر یعنی با آینده بشریت، بطور تنگنا پذیر پیوند دارد. برای آنگاه امپریالیسم این سرتیر چنگال توان سوزطمه جو به گورسیرده شود با پندمونه زندگی سوازیالیستی در تمام می‌وجه خود بر نمونه زندگی سرما به داری معاصر سبت و برتری جوید، سوازی متوجه تسریع زمان این سبت و برتری است و آیین است دلیل کارزار محیانه و پیرا پیر امپریالیسم علیه روند سوازی شوروی سوازیالیستی، در پشها و آموزشهای آن امروز برای معالین جنش ما، پیش شرط مقدم دستیابی به آرزوهای واقعی و سمنیابی صحیح نسبت به روندها و به سوسیالیسم و نیز چپ‌ان معاصر در مجرای است آگاهی و شناخت بیشتر با زهم بیشتر از آنها و مظلله گسترسده تر و هر چه دقیق تر آرا و اسنادی است که با هدف تحلیل و تبیین شورویک این روندها تدوین یافته و می‌یابد. سازمان فدائیان خلق ایسران (اکثریت) خرسند است که با انتشار اینگونه مطالب به این مهم بی‌ری رسانده و در راه ارتقای سطح دانش شورویک جنبش کارگری و کمونیستی ایران و عمل به وظایف انترناسیونالیستی خود می‌کوشد.

۱ - گزارش سیاسی م. س. گاربا جف به کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی
۲ - انتشارات سازمان
۳ - یا گولف، دستیابی به وضعیت کیفیتا نوین جامعه شوروی و علوم اجتماع

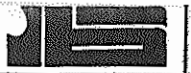
بیداد تورم

این به اصطلاح سیاست‌گزارها و اقدامات فسادآمیز تورمی به دلایل زیر با شکست روبرو گردید و تورم به حد بی‌سابقه‌ای رسید:
۱- جنگ ادا مه یافت و همه چیز از جمله درآمد‌های آرزو، نیروی انسانی، صنایع و غیره را بلعید. کاسترس شدید درآمد‌های آرزو عواقب وخیمی به بار آورد. نیا ز صنایع وابسته کشور به آرزو عدا مکان تا مین آن، این صنایع را با تعطیلی، کم‌کاری و مشکلات جدی مواجه کرد.

۲- کاسترس هزینه‌های عمرانی با افزایش هزینه‌های نظامی و کسترس دشت‌های سرکوب و پلیسی تا شیری به بار نیا آورد.
۳- کسترس ما در آن غیر رفتی عمدتاً به مسدود شدن آرزو، روده و خیا رود آنچه که می‌توانستند از دهان مردم بیرون بکشند، معادوما تنده کم نمی‌توانست آرزو قابل تا کیدی برای چاه و بیل جنگ و جیب گشا دلاها فراموش کنند.

۴- کنترل قیمت برخی کالاها یا اساسی و جیره بندی آنها سیر عمل بلبلیل کمبود عرضه اینگونه کالاها و قساد حاکم بر دستگا‌ها داری رژیم و پیوند مقدس آخوندها و تراکم عت می‌شود بخش بزرگی از این کالاها با آرزو سوازیالیسم به سرتراورد، تا شیرچندان به بار نیا آورد و وسیله‌ای برای ثروت اندوزی موشی آخوندها و سرما به داری گردید.

۵- علیرغم دعا‌های بیسیار مسئولان در کسترس تولید داخلی، تغییر سیاست مالی بانک‌ها و اد اعتبارات با لاریت یک نمونه از عملکرد سرما به است ما هیئت ارتجاعی رژیم خمینی و فرومایگی وردا لست سرما به داران و تجار، حتی آما رهای رسمی به خوبی نشان می‌دهد. طبق آمار رسمی در سال ۶۱ تولید شد بقیه در صفحه ۹



در آستانه هشتمین سال جنگ ارتجاع

ناراضی و نفرت عمیق اقشار و طبقات مختلف جامعه از تداوم جنگ همخوان درحال افزایش است. اما مجموعه مبارزات مسلح خواهانه توده‌ها بدلیل عبودیت و خصومتی که با حکومت فاشیستی نتوانست به سطحی فرار ویدکدک به بنا به یک عامل تعیین کننده به سرسروش جنگ تا شیرگذار د. در عین حال نفرت متراکم شونده مردم به جنگ به چنان حدتی رسیده است که رژیم دیگر نمی توانست آنرا نادیده بگیرد.

آزاداندیده بگیرد. در عین حال نفرت متراکم شونده مردم به جنگ به چنان حدتی رسیده است که رژیم دیگر نمی توانست آنرا نادیده بگیرد.

جنگ توانست حمایت وسیع افکار عمومی جهانی را جلب نماید و رژیم خمینی را مستحاطه عامل اصلی تداوم جنگ بشمارد. جنگ پیش از این منتهی شده بود. در هفتمین سال جنگ افشای بندهیستهای پنهانی پین و واشنگتن، تل. آویو و جماران ماهیت ارتجاعی جنگ و نقش امپریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی در تداوم آنرا بشمارد. نقاب تزویر از چهره آخوندهای حاکم بر گرفت، خلعت عوام فریبانه شاعرهای فدا آمریکا بی رژیم را آشکار ساخت و بیفروریختن توهم آن بخش از توده‌های مسلمان پیرو خمینی که هنوز به فریب فدا آمریکا پی بودن جنگ باور داشتند، یاری رساند.

هفتمین سال جنگ نه "سال پیروزی" که سال سیه‌روزی، فلاکت، گرسنگی و بی‌خانمانی بوده است. با پایان یافتن این جنایات درگروان است که سازمانهای انقلابی و مترقی پیشاپیش توده‌های میلیونی نبردی متحدانه را علیه جنگ و رژیم سازمان دهند.

سی و یکم شهریور جنگ ارتجاعی وارد هشتمین سال خود می شود بدون آنکه چشم انداز روشنی از صلح بدیدارنده باشد.

هفتمین سال جنگ با وعده "کهنه" سال پیروزی " و فداهای جنون آمیز و جنگ طلبانه سران رژیم آغازشود چون گذشته، با تسلسل عملیات بزرگ و سرسروش، با دهها هزار قربانی، با جنگ شهرها و وکشتارها و از ان غیرنظامی بی‌دفاع با جنگ شیمیایی و جنگ نفتکشها و صدها جنایت دیگر ادامه یافت و اکنون در شرایط گسترش و تراکم بازم بیشتر ناراضی توده‌ها، و استیصال و دردمانندگی سران رژیم به پایان خود نزدیک می‌شود.

در سال هفتم آمار و ارقام منجمدی تلفات و خسارتهای بشکل و وحشت انگیز افزایش یافت. گوجه رژیم آماردهی ترقی از میزان تلفات منتشر نمی کند، و بسیاری نیروهای ترقیخواه نیز دسترس به آمار دقیق ناممکن است. اما برخی منابع خبری و سازمانهای بین المللی اکنون شمار تلفات ایران را از هفت صد هزار تا یک میلیون ارزیابی می کنند.

در سال گذشته تنها در جنگ شهرها پانزده هزار تن از هموطنان غیرنظامی ما کشته شدند و در عملیات ترقی بر لای ۴ و ۵ پیش ازینجا ده هزار بار بار، سیسیسی و نظامی به قتل رسیدند. به شمار سه میلیونی آوارگان صدها هزار تن آفزوده کشت و رقم خسارتهای از مرز چهار صد میلیار دلار فراتر رفت. و همانند سالهای پیش رقمی بالاتر از ۵۰٪ بودجه کل کشور - مستقیم و غیرمستقیم - به جنگ اختصاص یافت.

در عملیات جنگی و اجرای دستورات نظامی فرماندهان با زاریم - سیاسی وظیفه مسموم کردن دوا بر عقیدتی - سیاسی وظیفه مسموم کردن افکار سرپایان را به عهده دارند. سران را به امتناع از شرکت مراسم مذهبی و سیاسی ایمن دوا برد عوت کنید.

برای شریک شدن مبارزه سران با رعایت کامل موازین امنیتی و هویشاری انقلابی در برابر جاسوسی و خبرچینی عوامل سازمان عقیدتی - سیاسی "سازمان حفاظت اطلاعات" به تشکیل هسته‌های ۲ - ۳ نفره فراخوانید. ماهیت ارتجاعی جنگ و مقاصد خبری سازمان را به یاد آرید و روحانیون و جنگ را افشا کنید و ضرورت براندازی رژیم و مبارزه در راه صلح را در بین سران و وسیع تبلیغ کنید. عوامل جاسوسی افشای امنیتی ارتش و هتد فعالیت آنان در بین سران را افشا کنید و سران تا آنگاه را از رهگیری سران با آنگاه برید. سیاستهای سازمان را به میان سران برسانید و آنان را به صفوف سازمان خود سازمان فدا بیان دعوت کنید!

بیمه بیکاری... شبه از صفحه ۳

قرارداد و کسرت بیمه بیکاری از حقوق کارگران علاوه بر حق بیمه تامین اجتماعی است. بدینار بهیخ استفاده از مزایای قانون بیمه بیکاری از ۸۵٪ در حالی که بخش مهمی از کارگران از سابقه قبل توجراخ شده‌اند، رقم نازل حق بیمه پرداخت می‌شود. به کارگران و محدود کردن زمان پرداخت حق بیمه به کارگران تا ۳ سال، و قید و شرطهای اخلاک‌گراانه دیگر، جلوه‌هایی است از مضمون ارتجاعی این قانون. چگونگی اجرای این قانون با کارکنان حکومتی است و بدون آنکه شما بدانید کارگران و تشکلهای کارگری حق کنترل و دخالت در آنرا داشته باشند، علاوه بر آن با این شیوه، کارگران اخراجی از محیط واحد تولیدی کنده شده، واحد مزبور مسئولیتی در قبال کارگرا خراجی بر عهده نمی گیرد. کارگر - ما یان دولت باید مکلف به تامین اشتغال مجدد کارگران بیمه شده شوند. کارگران مشمول بیمه بیکاری هروا حدی باید از نظر شرایط منصفی و سازمانی همچون تحت پوشش و موازین شکل کارگری همان واحدا باشند. تشکل کارگری واحدا بدو وضعیت کارگران اخراجی را با هدف بازگرداندن آنها بر سر کار رساند. انتقالتان به کار مناسب بیکاری کند و مسئولین مربوط (اعم از مدیریت وزارت کار و رفاه) را برای این منظور تحت فشار قرار دهد. رژیم با انتخاب شیوه‌های ارتجاعی و به رسمیت نشناختن حق کنترل تشکلهای کارگری برای چگونگی اجرای قانون، راه را بر سر استفاده هر چه بیشتر کارفرمایان بساز گذاشته است.

با تصویب و اجرای قانون بیمه بیکاری، مبارزه کارگران وارد مرحله جدیدی می شود. مبارزه برای تغییر مواد ارتجاعی قانون، برای تامین حداقل حقوق کارگران و مبارزه برای کنترل سر اجرای قانون بیمه بیکاری توسط تشکلهای کارگری اجزای از این مبارزه است. هسته‌های مخفی کارگری باید با تمام نیرو برای سازماندهی و هدایت این مبارزه تلاش کنند.

مساله اخراج و بیکاری کارگران بخش مهمی در وضعیت فعلی جامعه ایران که بحران تمام تار و پود آنرا فرا گرفته، به عهده‌ای مزن بدل شده است. کارآیی و اثربخشی مبارزه برای بهبود نسبی این وضع اساسا و قبل از هر چیز در گرو پیوند آن با مبارزه برای پایان دادن به جنگ است.

سران و نظامیان میهن پرست در سنگر صلح و ترقی

می بردا زنده می کوشند با ایجا دچو تروریسمی، خلفان مذهبی و مسمومیت فکری آنها را به زور در خط "مقام رهبری" نگاه دارند.

اما جمهوری اسلامی اگر پیش از این به خونست، سرکوب و خفقان در کارگانهای مسلح تشدید کند، نخواهد توانست راه گسترش نفوذ اندیشه انقلابی در بین سران و پرسنل نیروهای مسلح را بسازد. کندوبین سران و پرسنل ارتش با مردم دیدار بشود. سران از فرزندان مردمند از فقر و محرومیت خانواده‌ها و ممالیب جنگ و اختناق حاکم بر کشور، رنج می برند و تبعیض و محرومیت را که در جامعه دیده‌اند، در ارتش قبول مستقیم احساس می کنند. بسیاری از سران قبل از سران سیاسی سازمانهای سیاسی آشنا شده، از آگاهی و تجربه نسبی و جرات عمل انقلابی برخوردارند. سران از طبقه یا به اصطلاح رژیم شاه و خمینی "سران زده‌ها" که بدلیل فقر خانواده‌هایشان بی سوادمانده‌ها، تحصیلات متوسطه را به پایان نرسانده‌اند، فرزندان دهقانان، بکارگران و اقشار تهیدست شهری هستند. در کارخانه‌های خود با ظلم و جورخوانین و سرمایه داران، در دوشوشه‌های سیاسی و فده‌ها نسبی رژیم در روستا دست و پنجه نرم کرده‌اند. بسیاری از دردی سران در خارج از محدوده شهرها، بیکاری و فقر را چشیده‌اند. با از کودکی در کارخانه و کارخانه‌ها استقامت کرده‌اند. بسیاری از سران دیپلمه به درجات معین به ماهیت ارتجاعی رژیم، جنگ و سیاستهای فذخلتی ارتش در حمایت از منافع سران سازمان و زمینداران آگاهند، بیکاری کشید و از امکان تحصیلات دانشگاهی محروم مانده‌اند.

سران از هوا دار سازمان و سایر نیروهای انقلابی ایده‌مآزده و آگاهی سیاسی را با خود به میان توده سران می برند. اکثر سران در کردستان از شرکت مستقیم در عملیات نظامی سران می زنند. بخش از سران در جبهه‌های از رتبه به خط مقدم و شرکت در عملیات خودداری می کنند و سران از آگاه به ایجا ده‌ها قبل بحث سیاسی و کتبا بخوانند. در جبهه‌های دهه‌های فعالیت مخفی سیاسی در میان سران و با مداران و وظیفه دست زده‌اند. اما همه آنچه تا کنون انجام شده، برای مبارزه با این رژیم فدرمی هنوز کافی نیست. با بدیسی شناخت کلیه، مگانات مبارزه، تقویت آگاهی و ایجاد تشکل مناسب، مبارزه موثرتری را علیه جنگ و رژیم سازمان داد.

رژیم مشمولین و وظیفه برای مرگ حتمی روانه جبهه‌های جنگ با عراق و جبهه کردستان میکند. سران از این شمار در کوهها و دشتهای کردستان به خاک افتاده‌اند. خدمت نظام و وظیفه در چارچوب چنین سیستمی جز مرگ و یا محرومیت از ابتدای ترین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی هیچ حاصل نداشتند و نخواهد داشت. مشمولین از ارتش و سران با زاریم، رژیم با تبلیغات عوام فریبانه خود در مورد پیروزی، کشتار نظامیان جبهه‌ها را از مردم پنهان می کند. سران را به نوشتن خاطرات خود و افشای جنایات رژیم در جبهه کشتار نظامیان و سران و زندگی جهنمی در جبهه‌ها تشویق کنید، افشای چهره کثیف جنگ ارتجاعی سران و نظامیان که خود را هدست مستقیم ای فواجع هستند، در گسترش اعتراضات مردم علیه جنگ نقش مهمی خواهد داشت. همچنین انعکاس زندگی رفیق با مردم جنگ زده و بیامدهای شوم جنگ در زندگی مردم به انگیزش روحیه مبارزه علیه جنگ، در بین سران کمک خواهد کرد. سران را از شرکت

در جریان جنگ خونین ایران و عراق، دهها هزار سران قربانی شده‌اند. قربانیان جوان جنگ سوا موقتی که گفته "جهد" خمینی در راه "اسلام" را در جبهه جبهه‌ها نبرداخته، کشته یا غلیل نشوند، حق کار، ادامه تحصیل و نیز حق خروج از کشور را ندارند، از اینرو آنها را از روستا ها ویا در سرچهار راهها یا گلوگاههای امنیتی شهرها و پست‌های بازرسی بین راهها شکار می کنند. قوانین زمان جنگ و نظام حفاظت کورگرا نه حق نفس کشیدن را هم از سران سلب کرده است. آنها مجبورند به کارهای شاق یا دگانه‌های آسبزی و نظافت گرفته تا با دومی فرماندهان، بیکاری در جبهه‌ها سنگر کنسی و حمل و نقل تجهیزات نظامی تا مرده کشی را به دوش کشند و در ازای هر "خطای" ناچیزی توهین و توبیخ را تحمل شوند. زیرا که در سلب مراتب ارتش سران فقط حق در جبهه بسته‌ها است که سران وظیفه دارند. با ای اهدا در راه ارتجاعی رژیم به جنگ و در اصدای اعتراض خود را علیه جیره نقدی ناچیز، ناخوشی‌ها، شرایط بدتغذیه و درمان دروا حدهای نظامی بلند کنند.

بخش از سران معتاد شده‌اند، این رطبه‌پیده شوم از پین امرین جنگ زاده شده و فدا بر عاف تبلیغات و برانگیز مذهب، مراسم نوحه و توبیخ پیش از "شهادت" در از این این بدیده نقش جدی دارند. دخالتی را وای دوا بر سیاسی - عقیدتی در زندگی سران از نشاط و شور جوانی سران را به بیگمی می برد.

جبهه جنگ با عراق، شناختگاه پرسنل ارتش و سران نیست، رژیم بخش دیگری از آنان را در جبهه خونین دیگری که در خاک میهنان یعنی در کردستان گشوده است، به هلاکت می رساند. قریب ۸ سال است که رژیم در کردستان خون مردم را می ریزد و سران را وای دارد که با سه روی مردم محروم کردستان شلیک کنند، یا کشته شوند. در حال حاضر حدود ۲۰۰ هزار سران در قرا رگا ههای کردستان مستقرند. با تشدید تشنج آفرینی رژیم خمینی و امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و شماری بیشتر از سران و با مداران و وظیفه برای قربانی شدن در راه دیوانه‌سری های رژیم تحت عنوان مدافعان خلیج فارس و بسیجیان دریا شکار می شوند. قاعه جنگی که ۷ سال ادامه یافت، ظاهر در چارچوب وظایف رسمی ارتش هنوز صورت قانونی نداشت. اکنون با تصویب "طرح قانونی ارتش" "جهد در راه خدا" و تجا و زکری و کشورگشایی اسلامی تحت عنوان "یاری به ملل مسلمان با مستخفا در زمره وظایف اسلامی ارتش ترقی گرفته است. بنا بر این مادام که حکومت جمهوری اسلامی وجود دارد، سران نه تنها در جنگ با عراق، بلکه به هر کجا که مصالح "اسلام عزیز" اقتضا کند، اعزام خواهند شود و راه جهای نامقدس قربانی خواهند گشت.

با رشد ناراضی سران و پرسنل ارتش نسبت به ادامه جنگ، سیاستهای ارتجاعی در مورد اداره ارتش به موازات سرکوب اعتراضات درون ارتش، در مقیاس خشن تری به مورد آمده است. زیرا برای تضمین کارایی ارگانهای سرکوب، در نوبت اول باید رندهای اعتراضی و هرج و مرج را در خود افسان ارگانها خاموش شود. از اینرو و شیکه بلیسی دوا بر عقیدتی - سیاسی سازمان "حفاظت اطلاعات ارتش با اکتا بر" اصل ممنوعیت مطلق فعالیت سیاسی برای نظامیان و سران، به کشف و سرکوب فعالیت‌های انقلابی پرسنل و سران و جلوگیری از نفوذ نیروهای انقلابی، در درون نیروهای مسلح

به جبهه نروید، در حمله شرکت نکنید، جبهه را ترک کنید!

درباره تبلیغات

تبلیغ درگسترده ترین مفهوم خود بردن ایده های معینی به میان توده های مردم برای تربیت سیاسی و جدایت آنهاست. تبلیغات جهت دار و هدفمند است و هر قشر و طبقه اجتماعی بر اساس خواستها، تمایلات و منافع خود ایده های معینی را تبلیغ و ترویج می کند.

هدف تبلیغات کمونیستی، آگاه کردن طبقه کارگر و توده های وسیع مردم زحمتکش به واقعیت های جامعه و زندگی و هدایت ورهبری بیگانه آنان به سوی دستیابی به منافع واقعی شان می باشد. اساس تبلیغات پیشا هنگام طبقه کارگر آگاه سازی توده های وسیع مردم است. هیچ طبقه ای بیش از طبقه کارگر از آگاهی مردم به حقایق سودمندی برد، تنها و تنها توده های آگاه به منافع طبقاتی خود هستند که علیه استثمار و استثمار رهاکام برجای می ایستند و در ساختمان جامعه نوین درجهت زداایش گم، آگاهانه کار می نمایند. کمونیستها حقیقت را به مردم می گویند و از زبان حقیقت ایجا دچنگان نیرویی را هدف دارند که در به تنگنای جهان باشد.

تبلیغات یکی از ارکان اساسی فعالیت پیشا هنگام طبقه کارگر است که بر اساس شرایط و امکانات موجود اجتماعی - سیاسی و با توجه به ویژگیهای مشخص هر دوره، اشکال و شیوه های آن تغییر می کند و سطح و حجم آن می تواند محدودتر یا گسترده تر گردد ولی در هیچ شرایطی قطع نمی گردد. تجربه عظیم جنبش های انقلابی جهان نشان می دهد که در سخت ترین شرایط نیز می توان و باید تبلیغ کرد.

تجربه کمونیستها در دوران استقرار رژیم و حتی در اردوگاه های مسروک آلمان هیتلری در این زمینه تجربه زنده و گویایی است. هر عنصر آگاه و متعهد به منافع طبقه کارگر در جامعه طبقاتی موظف است علیه استثمار و فرارهای سرمایه داری چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین المللی تبلیغ کند و راه را برای آزاد شدن نشان دهد. سازمان ما به مثابه نیرومندترین سازمان چپ کشور، وظیفه ای بس سنگین در امر آگاهی، سازماندهی و وسیع طبقه کارگر و توده های زحمت بردار دارد. بحران حاکم بر کشور، گسترش روزافزون فقر و فلاکت و اختناق و نارضایتی گسترده توده های مردم از یک سوتلاش نیوهای غیر انقلابی و ارتجاعی برای فریب مردم، منحرف گرداندن آنان از مبارزه و جلب آنها به سوی خود، همه و همه آن عواملی هستند که مسئولیت ما را صندچان می سازند. برای آنکه بتوانیم به وظایفمان در پیشبرد امر تبلیغ بدرستی عمل کنیم، می باید درک درستی از مبانی قانونمندیها و مشخصات آن داشته باشیم.

* * *

مضامین تبلیغی بسیار متنوع و متعددهند، به تعداد و تنوع مسایلی که در جامعه می گذرد. اما در کلی ترین وجه تبلیغات سیاسی به دو بخش سوسیالیستی و دموکراتیک تقسیم می شود. درک علمی از پیوند ارگانیک تبلیغ و ترویج و نیز پیوند با لگنیک تبلیغ سوسیالیستی و دموکراتیک همانا آن مرتبندی ایی است که کمونیستها از آن کمونیست و آن نارضایتیها جدا می سازد و با نرسد به بندی مجزای سازد که فقط با اتکا بر آن می توان واقعاً و حقیقتاً پیوسته در راه سوسیالیسم مبارزه کرد.

تبلیغ سوسیالیستی

طبقه کارگر تا زمانی که به شعور سوسیالیستی دست نیابد، قادر به انجام وظیفه تاریخی خود - یعنی آزاد ساختن خود و کل استثمارشوندگان از بیسوغ استثمار روبندگی نخواهد بود. طبقه کارگر می تواند در مبارزات اقتصادی، در مبارزه علیه جنگ و... شرکت جوید، ولی تا زمانی که به رسالت تاریخی خود واقف نگردد، و به مبارزه در راه آن برخیزد، هنوز وظیفه ای در خود است و مبارزات او از چارچوب مبارزه با ظریفه و شرایط استثمار رها نخواهد رفت. ما رگسیسم - لنینیزم بر آن است که جنبش طبقه کارگر بدون آگاهی سوسیالیستی به منزله کشتی بدون قطب نماست و آگاهی سوسیالیستی جدا از جنبش طبقه کارگر، قطب نمایی است. بدون کشتی، جنبش طبقه کارگر تا زمانی که به این قطب نما تجهیز نشود هرگز به ساحل مقصود نخواهد رسید.

ما رگسیسم این نظریه ریویزیونیستی که گویا طبقه کارگر در پیرویه مبارزه علیه این یا آن ستمگری بورژوازی به نجات و رهایی طبقاتی به شعور سوسیالیستی دست خواهد یافت - را - فرود می شمارد و تا کیدی که کند که شعور سوسیالیستی را جز از بیسورن نمایی نتوان به میان طبقه کارگر برد. برخلاف نظریه ریویزیونیست ها که می پندارند "رشد اقتصادی و مبارزه طبقاتی علاوه بر شرایط لازم برای تولید سوسیالیستی، آگاهی به ضرورت این تولید را نیز مستقیماً پدید می آورد" ما بر آنیم که بغفلت مختلف پروتاریا خود به تنهایی، و صرفاً به جهت پرولتریون در جامعه دست یابی به آگاهی نیست و رسالت درآمیختن شعور سوسیالیستی با جنبش کارگری بر عهده پیشرو آگاه آن یعنی سازمان متشکل کمونیستی است.

علم انقلاب می آموزد که با بدترها که با استفاده از هر خدای مفا سرمایه داری و با هیبت کلیه طبقات جامعه و عملکرد آنها را به طبقه و توده توضیح دهد؛ دوسوسیالیسم را به مثابه جامعه ای طراز نوین به طبقه و توده ها شناساند. کمونیستها موظفند به طبقه کارگر آگاهی موزند که این طبقه، طبقه ای است در برابر کل سرمایه داران و مادی که سرمایه جرم و است آزاد و سعادت از او درخواهد بود. وظیفه انقلابیون کمونیست تربیت طبقه و توده تهیدست جهت نبرد های همگین با کل بورژوازی و جهان مبتنی بر استثمار است و هر گونه عدول از آن و کمپادادان به این تربیت، معنای جزئی نقش عنصر آگاه و سر فرود آوردن در برابر جنبش خود بخودی ندارد. وظیفه حزب طبقه کارگر فقط آن نیست که مبارزه این طبقه را در چارچوب مطالبات اقتصادی محدود سازد. لنین می نویسد:

" اکثریت بزرگی از سوسیال دموکرات های روس در دوره اخیر تقریباً سراپا غرق در کارهای اچاقات در کارخانه ها بودند... این کسار بخودی خود هنوز سوسیال دموکراتیک نیست بلکه فقط فعالیت تربیتی و نیونیستی است... هدف سوسیال دموکراسی از رهبری مبارزه طبقه کارگر فقط تا مین شرایط بهتر برای فروش نیروی کار نیست، بلکه علاوه بر آن، بر انداختن نظام اجتماعی پیدا دگری - که تهیدستان را و می داند تا خود را بتوان نگران بفرشند نیز هست " (چه با یک سرود ص ۱۹۶ - تا کیدا زمان است)

کمونیستها موظفند صرف نظر از آنکه جنبش در هر لحظه و مرحله در کدام فاز قرار دارد، صرف نظر از اینکه مقدمتاً کدام طبقه و نیرو را باید سرتگون کرد، طبقه

کارگر را با روح دشمنی با کل جامعه سرمایه داری و با روح مبارزه با خطر سوسیالیسم تربیت کنند و به او بیاموزند که دقیقاً با خطر هدف نهایی - یعنی سوسیالیسم و کمونیسم است که در مرحله کنونی باید این یا آن بخش از طبقه استثمار رهاکام هدف فریب اصلی قرار داد. زیرا تا زمانی که طبقه کارگر به این آگاهی دست نیابد خبری از مرحله سوسیالیستی انقلاب نخواهد بود و یکی از شرایط و در واقع شرط اصلی انقلاب سوسیالیستی همانا آگاهی طبقه کارگر و تهیدستان و مبارزه با ترس و سوسیالیسم و کمونیسم است. لنین می نویسد:

" ما باید به طرز جدی به مبارزاتی که بر سر خواسته های جزئی با حکومت می کنیم و برخی امتیازات که از این راه به دست می آوریم تنها گشکشی های مختصر با دشمن است، برخورد های بی استیمن گشتی های دوطرفه، در حالی که نبرد تعیین کننده هنوز در پیش است. در برابر ما دشمنان با تمام قدرت و استحکام خود سرا فرشته است و با ران کلوله و شوب بر سر ما می بارد و بهترین رزمندگان ما را در روی کند و بر زمین می ریزد، ما باید این قلعه را تسخیر کنیم و تسخیر خواهیم کرد (اسرافال شماره اول ایسکرا)

کمونیستها موظفند در چارچوب مبارزات طبقه کارگر با هر خدای مفا اقتصاد و... در چارچوب مبارزات برای ارتقای سطح کنونی مبارزه آن در هر کام، با استفاده از تجارب زنده، ضرورت نابودی کل سیستم بهره کشی را تشریح کنند و طبقه را برای مبارزه با طران سازمان دهند. به ماست که علیه رستم نشان دادن و نفاذ های عملا موجود میا جینا های درون حاکمیت و درگیری های موجود میان اقشاری از سرمایه داران با همدیگر و خا طرنشان ساختن ضرورت استفاده از این نفاذ ها برای کل طبقه و توده زحمتکش روشن سازیم که مجموعه ای نیروها دشمنان طبقاتی آنانند. کمونیستها موظفند در چارچوب مبارزات میان رژیم شاه و رژیم خمینی... به این نکته تا کیدی زنده که همه آن علیه رستم اختلافات در نحوه استثمار رنجبران، مدافعان سرمایه داری و دشمنان طبقه کارگر نیست. ما وظیفه هستیم تا رنجبران را با موزیم که باید دیدی طبقاتی به جا معده بگرد و در پرس هر وجه و عیب داری آن نیروها نافع طبقاتی مختلف را تعقیب کنند، زیرا همانگونه که لنین می گفت:

" ما مادی که توده ها فراتر ندد در پرس هر یک از جملا ت، اظهارات، وعده و وعید های اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی که منافع طبقاتی مختلف را جستجو کنند - در سیاست همواره قربانی سفیها ندرتین فریب و خود فریبی... خواهند بود.

هدف ما از تبلیغات در درجه اول آگاهی سازی طبقه کارگر و جلب آنان به مبارزه از طریق تشکل سازمان طبقاتی خویش یعنی سازمان کمونیستی است. با بدتر هر کام طبقه و توده های تهیدست استثمارشونده را به تشکل در سازمان فراخوانند. بدون این فراخوان و نشان دادن ضرورت آن، تبلیغ سوسیالیستی معنایی نخواهد یافت. ما در چارچوب آنکه موظفیم کارگران و زحمتکش را به تشکل در سازمانهای مختلف صنعتی و اتحادیه ای فراخوانیم و در راه آن تلاش ورزیم، باید آنها را به سازمانیابی ترین سازمان خود یعنی سازمان سیاسی پیشا هنگام طبقه کارگر جلب کنیم. لنین می نویسد:

" را بوجا یا میسل مرتباً به هر لحن و زبانی خطاب به کارگران تکیه می کند: " متشکل شوید! " همه هواداران گرایش اکونومیستی این خطاب را انکار می کنند. ما البته بطور کامل این دعوت را نپذیریم. ما اما از افاضه کردن این موضوع نیز خود را دریغ نمی کنیم که متشکل شوید، اما نه تنها در انجمن های منافع متقابل، صندوق های اعتماد و محفل های کارگری، بلکه در یک حزب سیاسی نیز متشکل شوید، بدون چنین تشکیلاتی پروتاریا هرگز به مبارزه آگاهانه طبقاتی نخواهد یافت. بدون چنین تشکیلاتی جنبش طبقه کارگر محکوم به شکست و نازایی است و فقط با صندوق ها و محفل های مطالباتی و انجمن های منافع متقابل، طبقه کارگر هرگز قادر نخواهد بود، رسالت تاریخی بزرگ خود یعنی رهائی خویش و نجات می مردم... از اسارت سیاسی و اقتصادی را به انجام برساند.

تبلیغ دموکراتیک

با بدقبل از هر چیز دیگر مجدداً بر این نکته تا کیدی که تبلیغ دموکراتیک و تبلیغ سوسیالیستی همچون دوروی یک سکه با همدیگر در پیوندی ناگسستنی اند و به یکدیگر وابسته اند. برای آگاهی طبقه کارگر و توده های ورهبری آنان در مبارزات انقلابی ضروری است. هرگونه کم بها دادن به اهداف آتی، فعالیت و تبلیغ سوسیالیستی ضرورتاً به نفعی نشود. انقلابی، زدودن سرمایه زمین از طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی و دنیا لوری و تسیر حوادث و نفاذ به تسلیم طبقه کارگر به بورژوازی منجر می گردد، و هرگونه کم بها دادن به فعالیت و تبلیغ دموکراتیک، نیز بیسره جدا ساختن طبقه کارگر از پیوه زندگی و به دراز گویی صرف در راه سوسیالیسم می انجامد.

کمونیستها موظفند به طبقه کارگر بیاموزند که انقلاب سوسیالیستی امری نیست که فقط به اراده بخش آگاه طبقه کارگر مربوط گردد، بدون دموکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی مبارزه کارگران مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی و پیروزمندی آن میسر نخواهد بود. بخش آگاه و پیشا هنگام طبقه کارگر برای گرد آوردن اکثریت طبقه و توده های مردم به زیر پرچم خویش و نیز انجام اصلاحات ضروری لازم جهت انقلاب سوسیالیستی را فراهم می سازد، تا گزیر از طی مرحله دموکراتیک انقلاب هستند، کمونیستها موظفند به طبقه کارگر بیاموزند که در سنگرمقدم مبارزه در راه استقرار دموکراسی در جامعه و تا مین خواست توده های میلیونی مردم قرار دارد. انجام اصلاحات ارضی، انقلابی، دموکراتیزه کردن حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تا مین حقوق خلقها، زنان، جوانان و ودها ساله دیگر در دستور مقدم قرار دارند. طبقه کارگر در مبارزه با خطر چنین وظایفی تنها نیست، طبقات و اقشار دیگری، دهقانان، زحمتکش شهری، پیشروان و کسبه زحمتکش، میلیونها زحمتکش حاشیه سرمایه داری و غیره با او شریکند.

کمونیستها موظفند جهت جلب متحدین طبقه کارگر در مرحله کنونی از انقلاب، به مبارزه انقلابی، کار آگاه هر گانه وسیعی را در میان آنها سازمان دهند و پرچم خود را پیشا پیش آن برافرازند و در واقع به تعبیر لنین:

" یک کمونیست باید در تربیون خلق با شکوه بتواند در برابر هر یک از مظاهر خردسری و ستمگری در هر عرصه ای که روی دهد و علیه هر قشر و هر طبقه ای که روی دهد و با واکنش بر خیزد و بتواند مجموعه ای از مظاهر را در قالب تصویر واحدی از تعدیاتی پلیسی و استثمار سرمایه داری تعمیم دهد و از هر پدیده و رویداد نا چیزی برای بیان معتقدات سوسیالیستی و خواسته های دموکراتیک خود در برابر همگان و برای توضیح اهمیت تاریخی - جهانی پیکار آزادی بخش پروتاریا به همگان استفاده کند. "

کمونیستها از طبقات ترقیخواه جامعه در برابر طبقات ارتجاعی پشتیبانی می کنند.

هنر و ادبیات مردمی

ما هنا مه فردوسی، گنجینه‌ی اساطیر، تاریخ، فرهنگ و زبان مردم ایران است. این حماسه بزرگ مردمی را، حماسه داد و ستد حماسه ملی ایرانیان تیسز خوانده‌اند. قیام کاوه آهنگر از درخشان ترین و مردمی‌ترین نمونه‌های اساطیر ایران و جهان است. سخن آزادانه‌ی ضحاک است، از غارت و کشتن و سوختن و بدآموختن. از خوار

"بیان چنان را به بد نسیریم"

"یادشاهی ضحاک"

بر اوسالیان انجمن شدهزار
بر اکنده شد کام دیوانگان
نهان راستی، آشکارا گزند
ز نیکی نبود سخن جز به راز
جز از غارت و کشتن و سوختن
جه کبتر چه از تخمه پهلوان
وز ساختی راه درمان شاه
مرآن ازدها را خورش ساختی

"قیام آهنگر"

که در پادشاهی کند پشته راست
که ای برهتر با گهر بخردان
که جز تخم نیکی سپید نکشت
گواهی نوشتند برنا و پیوست
بر آمد خروشیدن داد خواهر
جز ارنج و سختی همه بهر ماست؟
شکفت آمدش کاین سخنها شنید

چو ضحاک بر تخت شد شهریاری
نهان گشت آیین فرزندانگان
هنر خوار شد جادویی ارجمند
شده بریدی دست دیوان دراز
ندانست خود جز بدآموختن
چنان بد که هرب دو مرد جوان
خورشگر بریدی به ایوان شاه
بکشتی و مغزش برون آختی

ز هر کشوری موبدان را خواست
از آن پس چنین گفت با موبدان
یکی محضرا کنون بیاید نبشت
در آن محضرا زدها ناگزیر
همانگه یکا یک ز درگاه شاه
اگر هفت کشور به ناهای کسراست
سپید به گفتار او بنگرید

شدن هنر و ارجمندی جا دو فرانه. گویی حکیم توس، ازورای قرون و اعصار
سیمای تکلیت با رولایت فقها را تصویر می‌کند.
و نیز سخن از دادخواهی کاوه آهنگر است و خروشیدن مردم و زبونی ضحاک
ماردوش.
گویی از دادخواهی امروز و سر نوشت محتوم خمینی خود کاوه سخن می‌رود.

بفرمود پس کاوه را پادشاه
خروشید کای پایمردان دیوان
نباشم بدین محضرا ندر گواه
چو کاوه برون شد ز درگاه شاه
همی بر خروشید و فریاد خوانند
از آن چرم کاهنگران پشت پای
همان کاوه اندر سرتیزه کرد
همی رفت پیش اندرون مردگرد
زدیوارها خشت و از بام سنگ
بباید چون زاله زابریسایه
بشیر اندرون هر که برنا بدند
سوی لشکر آفریدون شدند
ز آواز گردان بتوفید کوه
به سر بر زگر سپه ابر بربست
از آن شهر روشن یکی تیره کرد
نخواهیم برگاه ضحاک را
ببیرند ضحاک را بسته خسوار
ببیاورد ضحاک را چون نونند
از اوانم ضحاک چون خاک شد
بیان چنان را به بد نسیریم

بدگوش همه دست نیکی بریم

فرزندانها روحیه غالب است و نقشه‌های شوم و تلاشهای
بی حاصل خمینی و گزرهاها پیش برای مسخ سیاسی
وایدولوژیک زندانیان سیاسی روز بروز با شکست
و فضاحت بیشتری مواجه می‌شود.

اعتصاب غذا بی که در زندان اوین صورت گرفت،
تجلی آشکارا همبستگی زندانیان در تیزتر کردن آتش
مبارزه علیه رژیم است. این اعتصاب و حرکت است
اعتراضی قبلی، با ظرافت اتحاد در مجویانه زندانیان
سیاسی زمان شاه راننده می‌کنند که علی‌رغم
اختلافات مسلکی و سیاسی شان، بمشایه مشت واحدی
در برابر ما مورین شاه عمل می‌کردند.
خلیفه جماران که به عبث راه نجات خود و حکومت
راتکیه بر سر نیزه و اعمال خشن ترین وی سابقه
تورین شیوه‌های ترور و شکنجه و سرکوب مبارزان
می‌بندارد، طی حکومت جنا بیکارانه اش توسط
عمل از خود هزاران تن از بهترین فرزندان میهنمان
را شهید و دهها هزار تن را به زندانها افکنده است.
وظیفه همه انسانهای آزاده است که در برابر
این جنایات ددمنشانه به اعتراض برخیزند. دفاع
از زندانیان سیاسی، حمایت از مبارزات آنان
و افشای جنایات بی شمار عمل رژیم نسبت به
زندانیان، از مهمترین وظایف ما است.
بر ماست که به هر طریق ممکن، فریاد اعتراض
زندانیان سیاسی را به گوش مردم میهنمان و همه
جهان نیا برسانیم.

امروز اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه
و کلیه خاندانهای آزاده‌های زندانیان سیاسی اهمیت بیش از
پیش یافته است. مبارزه متحد و همبستگی قهرمانانه
زندانیان سیاسی در برابر اعمال رژیم، خود می‌تواند
و باید بشما به سرمشقی برای اتحاد عمل نیروهای
انقلابی و ترقیخواه در حمایت و پشتیبانی از مبارزین
زندانیان سیاسی و افشای جنایات رژیم خمینی قرار گیرد.

امروز وظیفه همه ماست که متحد و یکپارچه
ضمن تبلیغ وسیع و موکد شعار "زندانیان سیاسی آزاد
باید گردد" از خواستهای مشخص این حماسه آفرینان
در بند حمایت کرده و نگذاریم رژیم نقشه‌های
جنا بیکارانه‌اش را در مورد آنها عمل سازد.

طبقه کارگر بیکرترین دمکرات است که لنین می‌گفت
کسی که در عمل فرا موش کند که هر ساله ای دمکرات تیکی را پیش از

دیگران طرح کند، برجسته‌تر از وحل کند و سوسیل دکرات نخواهد بود.

فعلیت دوستی و وفایت دوستانه مجرد آنان، بلکه جز و تابعی از مبارزه آنان
بخاطر سوسیلیسم و کمونیسم است.
کمونیستها موظفند برچم دروغین دموکراتیسم را از دستان عالیشان
بورژوا - همچون بازرگان و شرکای او... در آورند و با مدافع پیگیر و پیش از
همه از حقوق دموکراتیک توده‌ها، مبارزه برای دموکراتیسم را با مبارزه در راه
سوسیلیسم پیوند زنند.
تبلیغ دموکراتیک به مفهوم لنینی آن، عرصه‌ای مهم در این راستاست.

(ادامه دارد)

کمونیست‌گاری گوئی، حزب کمونیست چپ‌های
سوئد، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست
اتریش، حزب سوسیالیست اتریش، حزب سوسیالیست
دانمارک، حزب کتا و زنان یونان، اتحادیه
کارگران و پیشقدمان فنی انگلیس، سندیکای
عمومی کارگران (ات.ژ.ت)، کنفدراسیون
کارگران یونان، اتحادیه‌های کارگران چپ و
و انجمن شورا‌های سندیکایی در لندن، سندیکای چلو
کاغذ و سندیکای فلزکاران آلمانی،
کنفدراسیون عمومی کارائیلیا (بزرگترین
اتحادیه کارگری ایالتی)، سازمان جوانان
کمونیست سوئد، سازمان جوانان
کمونیست یونان، سازمان جوانان
کارگرسوسیالیست آلمان فدرال، جوانان
سوسیالیست آلمان و متحدان دیگری از نمابندگی‌ها
و هیوان احزاب، اتحادیه‌ها و سازمانهای بین
المللی با حضور در محل اعتصاب فداییان خلق و سیا
ارسال پیام، مبارزه‌های سیاسی ایران و مبارزانشان
اعلام همبستگی نمودند. ترور، شکنجه و نقض
ابتدایی ترین حقوق انسانی نسبت به میهن پرستان
در بند ایرانی را محکوم کردند و خواهان آزادی همه
آنها شدند.

موج همبستگی بین المللی با مبارزات فرزندان
دلور و میهن دوست ایران که در سیاهای رژیم
نبردی تابای جان دست زده‌اند، همچنان ادامه
دارد.

زندانیان سیاسی... بقیه از صفحه اول
ندای آزادیخواهی و هرا اعتراضی را بیعانه سرکوب
می‌کنند اما بغضی از زندانیان سیاسی اوین دارای اهمیت
ویژه است. این اعتصاب در حالی رخ می‌دهد که رژیم
ددمنش خمینی زندانیان سیاسی را با ظر مطلق
ابتدایی ترین حقوق صغی و انسانی شان، به جوخه
اعدام می‌سیا ردومی گوشه‌ها اعمال وحشیانه‌ترین
شکنجه‌ها از هرگونه حرکت اعتراضی و مبارزه جمعی، در
زندانیان جلوگیری کند.

زندانیان سیاسی با اعتصاب غذا مجدداً
یکبار دیگر نشان دادند که روحیه مقاومت و مبارزه

همبستگی مردم ترقیخواه با زندانیان اوین

خبر اعتصاب قهرمانانه زندانیان سیاسی
اوین و گوهردشت در ۴ تیرماه در داخل و خارج کشور
توسط کمونیست آلمان خلق، به اطلاع مردم ایران و جهان
رسید. اطلاعیه‌های مطبوعاتی کمیته مرکزی سازمان
در اروپا، خبر این مبارزه دلیرانه را به سرعت
در سراسر جهان منتشر ساخت و رسانه‌های خبری جهان
این اخبار را منعکس نمودند. به نقل از بیانیه‌های
مطبوعاتی سازمان، خبرگزاری فرانسه، "وما نیته"
ارگان حزب کمونیست فرانسه، "اوپینا" ارگان
حزب کمونیست ایالتی، روزنامه "عصر ما" ارگان
حزب کمونیست آلمان، فولکس اشتیمه ارگان
حزب کمونیست اتریش، "آریا تیرتسا" یوتیوگ، نشریه
حزب سوسیالیست اتریش، روزنامه "مورینگ استار"
در بریتانیا، روزنامه "پرتس" انگلیس، "پرتس"
پرسود، روزنامه "شوق شمالی سوئد"، هفته‌نامه
نیورورکزدرا انگلیس، روزنامه "کلنراشتسات"
انشا بگر، روزنامه "کلنر و نشتا" و "تسمت"
دیگری از رسانه‌های گروهی در اروپا به جا ب این
اخبار اقدام نمودند. به این ترتیب جهان نیسان
در جریان اعتصاب غذای فرزندان قهرمان خلق
ماترا در گرفتند. و با مبارزات آنها اعلام همبستگی
کردند.

فداییان خلق در خارج از کشور در پاسخ به فرا
خوان سازمان در همبستگی با مبارزه انقلابیون
در بنده، در کشورهای مختلف دست به اعتصاب
غذا زدند. رفقای ما در انگلیس سوئد، آلمان
فدرال و اتریش با اقدامات وسیع همبستگی، مردم
این کشورها را به حمایت از زندانیان سیاسی
ایران فراخواندند. موج همبستگی احزاب، سازمانها
گروهی، اتحادیه‌ها، و کمیته‌های آزادیخواه و بشر-
دوست با انقلابیون اسپر اعتصابی ایران بیانگو
حمایت پر شور بر ترقیخواه آزادیخواه خلق
ماست.

حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست ایالتی
حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست هلند، حزب

"کمونیستها" از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی-کثونی و از هر خلق
ستمن و بیروان هر مذهب و هر گروه اجتماعی ستزده و... در مبارزه
آنان، برای احراز برابری حقوق پشتیبانی می‌کنند. (لنین)

چگونه می‌توان خود را کمونیست و مبارز را سوسیلیسم و کمونیسم خوانند
ولی در برابر رژیم ولایت فقیه و استبداد دیکتاتور تیک (که میلیونها مردم کشور
را مستضعف یعنی ناقص العقل و در حکم دیوانه و یا کودک محسوب می‌داند) فردی
را "ولی" و "قیم" و صاحب اختیار همه آنها تلقی می‌نماید (قرار گرفت، چگونه میتوان
از کنار استبدادی که هر نادی اعتراضی را با شلاق و شکنجه و اعدام با هیچ
می‌دهد به راحتی گذشت و ستم ملی و سرکوب خلقها را با لایقیدی نظاره کرد، به ستم
قرون وسطایی بر مبنای از جامع یعنی زنان بی تفاوت ماند و بر پامال شدن
حقوق دمکراتیک توده‌ها در عرصه‌های متعدد چشم پوشید. کمونیستها به شما نگاهان

افغانستان و روند مصالحه ملی

مردان ما سال مصادف بودبا شصت و هشتمین سال استقلال افغانستان، مبارزه رهای بخش خلق زحمتکش افغانستان علیه امپریالیسم انگلیس ازبرگهای زرین تاریخ مبارزه مردم این کشور است. افغانستان را روزتاریخی و جشن ملی خلیسک افغانستان را گرامی می داریم. وچون تباری مبارزین راه استقلال و آزادی افغانستان را ارج می نهیم. توده های زحمتکش افغان در جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلقی در پادشاهی ازبندت های اصیل مبارزاتی در راه تکمیل استقلال ملی و تامین همه جانبه حاکمیت خلقی تلاش و بیگاری می کنند. تصویب قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گام مهمی در این راه است.

ما گذشته مهلت ۶ ماهه آتش بس یک جانبه دولت ملج دوست جمهوری دموکراتیک افغانستان که بمنظور تسهیل و تسریع روند "مصالحه ملی" اعلام گردیده بود، پایان پذیرفت. اما نجیب بهر افغانستان طی بیانیه رادیو تلویزیونی با فراخوان مجدد نیروهای اپوزیسیون به شرکت در روند مصالحه ملی، آتش بس را به مدت ۶ ماهه دیگر تمدید کرد. در این فراخوان دیگر بار از مخالفان خواسته شد که با پیوستن به مصالحه ملی مانع از ادامه جنگ و خونریزی در کشور شده و با شرکت در دولت انتقالی سهم در اداره و ریاست های افغانستان را از جنگ سبب گردانند. این فراخوان وحدت جویانه ضمن بر مسردن پست های مورد نیروهای طرف مصالحه که اغلب وزارتخانه ها، معاونت شوری وزیران و همچنین معاونت رئیس شوری انقلابی را در بر می گیرد، اعلام می دارد که با شرط تحقق کامل ملی مصالحه ملی حتی مقام ریاست شوری و زیران نیز می تواند در شرایط ائتلاف مورد مذاکره قرار گیرد.

طی بیش از یک سالی که از آغاز اجرای سیاست مصالحه ملی توسط حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان می گذرد تلاش های از جانب واحد ها و افراد زبیب دولتی و کلیه کسانی که در تحقق ملی مصالحه ملی، آینده روشن افغانستان را می بینند، بعمل آمده است. در این دوره علیرغم مشکلاتی که پیش روی حزب و دولت مردم افغانستان بوده است، روند ترقی بی زکشت مبارزین افغانی از زیران پاکستان به داخل کشور با وجود مانع نترسیم های ایران و پاکستان ادامه داشت و گروه های مسلح زیادی با زمین گذاشتن اسلحه به خانه و کاشانه خود بازگشته اند. مبارزینی که به کشور بازمی گردند با افراد مسلحی که از مقابل مصالحه با رژیم ست می گذشتند، با برخورداری از امکانات ویژه ای له دولت در اختیار آن می گذارد، به زندگی عادی

روی می آورند. در نواحی متعدد در روستا های زیاده مخالفان مسلح دولت با مسئولین حکومتی به تافهم و مصالحه رسیده و اینک خود به حافظ صلح و امنیت زادگاه خویش بدل شده اند. بیگاریت کمکیا هم میه جانب از دولت به اداره و عمران این نواحی روستا ها برخاسته اند. گرچه تحقق اهداف سیاست مصالحه ملی وقت و کار زیادی می طلبد، و لاجرم اجرای این سیاست با بختی ها و مشکلات عدیده ای روبرو است. ولی حمایت های عملی و معنوی روبرو ربه تر از یاد های صلح خواه شهرها و قصبه ها و روستا های افغانستان که از جنگ ۸ ساله بیزار هستند، از زمینه های امیدبخشی در شمع انداز موفقیت آمیز آن فراهم می آورد. گرایش نیروی توده ای بخش قابل توجهی از گروه های مسلح به ترک مخاصمه و نیز رشد اختلافات درون جبهه مصالحه افغان حکومت دموکراتیک به سود صلح و امنیت و اتحاد ملی و دموکراتیک در کشور و تشدید تردید و تزلزل در درون احزاب و سازمان های بزرگ مخالف رژیم و نیز تقویت گرایش مثبت و جانبداران از "مصالحه ملی" در مقیاس بین المللی در سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی از جمله شرایط ملی و بین المللی هستند.

البته در این میان دولت ریگان و رژیم های جمهوری اسلامی و پاکستان بیگاریت نشده اند. افزایش کمکیا نظامی و مالی آمریکا به ضد انقلابیون افغان و تحریک آنها به سلاحی جدید از جمله موک - های استیگرگه طی ۶ ماه اخیر چندین هواپیما و مسافری را اجنایتگاران به مورد هدف قرار داده اند. و پاسخ منفی رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به فراخوان صلح دوست نه دولت افغانستان و حمایت مداوم آن از نیروهای مرتجع افراطی دست آموز دست نشانده خود در افغانستان و نیز تحریکات مداوم علیه رژیم ضیاء الحق از جمله موانع و مشکلاتی هستند که در مقابل دولت مردم افغانستان برای دستیابی به زندگی آرام قرار دارد. تلاش دیوانه وار ارتجاع جهانی و منطقه برای متوقف کردن و یک کنگ کردن ملی مصالحه ملی، یک دلیل جدی برحقانیت این ملی است. اکنون آن بحث از مخالفان دولت کسه واقع دشمن آشتی تا پذیر صلح و سعادت افغانستان هستند. بیانی از همیشه از سوی امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکا و رژیم مرتجع خمینی وضیاء الحق حمایت می شوند.

شوری و افغانستان با راه سیاست و برنام خود را در باره خروج فوری شوری از خاک افغانستان اعلام داشته اند. به همین دلیل هم دشمنان افغانستان به مخالفت چون آ میز نسبت به مصالحه ملی، سعی در حفظ وضع جنگی موجود دارند تا با مصالحه محمل تبلیغاتی برای ادامه جنگ تشبک رانه شان را حفظ نمایند. اما علیرغم همه کارشکنی ها ملی مصالحه ملی تا حدقا نونیست ارتقا می یابد.

اخیرا همزمان با افزایش تلاش حزب و دولت

افغانستان برای تحقق مصالحه ملی "طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به نظر خواهی عمومی گذاشته شده است. آرا به طرح قانون اساسی که راه استای اساسی رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی آینده افغانستان را مشخص می کند، از وقایع مهم بعد از انقلاب کشور است. تحقق روند مصالحه ملی و شرکت فعال مردم در راه نظریه تکمیل آن و بالاخره تصویب و تلافی برای اجرای آن، راهگشای آینده روشن افغانستان خواهد بود. "طرح قانون اساسی" که تکمیل استقلال و حاکمیت ملی و دستیابی مصالحه و وحدت ملی و تامین عدالت اجتماعی و مساهلات و رشد اقتصاد ملی و ارتقا سطح زندگی مردم را هدف خود قرار داده است قدرت دولتی در جمهوری دموکراتیک افغانستان را متعلق به مردم دانسته و سیاست شدهده جانبه، تافهم و همکاری همه ملیتها، اقوام و قبایل کشور به منظور تامین برابری سیاسی - اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و رشد و توسعه سریع تر مناطق عقب مانده از لحاظ اجتماعی و اقتصادی را تصریح کرده است. طرح با در نظر گرفتن عقب ماندگیهای اجتماعی اقتصادی افغانستان و امکانات و الزامات عینی شدجا معه، شرکت سرمایه داران ملی را در توسعه صنایع، تجارت، ساختمان و کشاورزی مورد تشویق قرار می دهد و از آنها در مقابل سرمایه خارجی حمایت می کند. طرح قانون اساسی "حق مالکیت دهقانان و سایر زمینداران را بر زمین سابق قانون تضمین نموده" و فعالیت های انفرادی پیشه وران و شرکت ها و طلبانه آنها را در تحادیه های منفی و تافهم تشویق و مورد حمایت قرار می دهد. طرح قانون اساسی اجرای مراسم مذهبی را برای تمام مسلمانان تضمین می کند و پیروان سایر ادیان را نیز در امر آزادی مرام خود آزاد گذاشته است. ویادآور شده که هیچک از اتباع افغانستان حق ندارد زمین یا بی نظیر تبلیغات خدمتی وضیاء مردمی ایجاد کند و زمین و ارتکاب سایر اعمال خلاف منافع مردم استفاده نکند. در طرح آمده است که "لویه جرگه مطاب سنن ملی و تاریخی عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان است. و تصویب و تعدیل و تفسیر قانون اساسی آینده لویه جرگه است و لذا قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان از تاریخ تصویب آن توسط لویه جرگه قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد.

ملی مصالحه ملی، ملی اصولی و مسئولانه برای تامین صلح و آرامش در افغانستان، صلح در منطقه و کاهش تشنج در سطح جهانی است. این مشی حاصل هفت سال تجربه حاکمیت حزب و حکومت مردمی افغانستان و منطبق بر واقعیات افغانستان است. پیشرفت ملی مصالحه ملی، میتواند یک پیروزی بزرگ برای مردم افغانستان و خلقهای منطقه و بشریت مترقی و از جمله مردم ایران باشد که از تداوم جنگ و خونریزی در کشور همسایه خود رنج می برند و نیز از تحریکات جنگ افروزانه رژیم خمینی بیزارند.

بیاد تورم ... بقیه از صفحه ۴

ناخالص داخلی به قیمت های ثابت معادل تولید سال ۵۳ بود. در حالیکه در این دوره، رقم نقدینگی بخش خصوصی حدود ۱۰ برابر گردیده است. در سال ۶۳ حدود ۸۵ درصد سپرده گذاران در بانک ها، حدود ۱۰ درصد سپرده ها را در بانک ها داشتند و ۹۰ درصد سپرده ها را به خود اختصاص می دادند. بنا به نوشته گریگان (آبان ماه ۶۳) ۵۳ درصد معادلا حتما ۹۰ درصد سپرده های با معده را در اختیار دارند. " این روند همچنان ادامه یافت و در سال ۶۶ نقدینگی بخش خصوصی با رشد صدوی به بیش از یک هزار میلیارد ریال در توم رسید. از این واقعیت ها می توان به بعدا دسودهای حاصل از تجارت و بورس بازی و گران فروشی پی برد. تازه بنا به گفته رئیس کل بانک مرکزی رشد نقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۶ بیش از ۱۳ درصد خواهد شد. یعنی به تری در دست بودن این رقم - که مسلما بسیار کمتر از واقعیت است - بیش از ۱۳۰ میلیارد تومان در دیگر به یول های اقلیتی سرمایه داران فزوده خواهد شد. متقابلا کارگران و زحمتکشان در شرایط سخت تری خواهند زیست و این، آن عدالتی است که خمینی وعده داده بود. این معنای واقعی "تصادا دلاسی" است. تورم ذاتی نظام سرمایه داری است. تا نظیام سرمایه داری در میهن ما با بر جاست، تورم دست از گریبان کارگران و زحمتکشان میهن ما بر نمی دارد. با استقرار نظام سوسیالیستی در میهن ما ست که عدالت اجتماعی و معنای واقعی آن تامین و تورم نیز برافکنده می شود. این وظیفه راه مبارزین برعهده طبقه کارگران و زحمتکشان ایران قرار داده است. برای دستیابی کارگران و زحمتکشان به چنان نظامی در ایران، ما باید مدتها جنگ و رژیم جنایتکار خمینی را از میهن باستانی ما محو کرد و رژیم را به زبیا لهه در تاریخ انداخت. چرا که رژیم خمینی به دلیل ماهیت ارتجاعی، جنگ طلبانه و فو قین و سواشیست در تحلیل نهائی همه چیز را در خدمت آخوند سوسر مایه دار می گذارد. این رژیم قادر نیست مشکلات اقتصادی و اجتماعی میهن ما را حل نماید و بر عکس وجه بیشتر

چشم انداز صلح در آمریکای مرکزی

روسای جمهوری پنج کشور آمریکای مرکزی - نیکاراگوئه، کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا و هندوراس - روز ۱۶ مرداد (۷ اوت) در پایتخت گواتمالا موافقت نامه ای را برای حل صلح آمیز بحران منطقه امضاء کردند. موافقت نامه بطور مفصل آتش بس، قطع کمک به گروه های ضد دولتی، ندانن اجازة استفاده از خاک کشور خود علیه دیگر دولتهای آمریکای مرکزی، عفو عمومی و چند مورد دیگر را تصریح می کند. سند مذکور به دنبال تلاش ۵ ماهه رئیس جمهور کاستاریکا و علیرغم کارشکنی های آمریکا به امضا رسیده است. این موافقت نامه پیشینا دهای گروه کشورهای "کونتا دورا" که برای عادی ساختن اوضاع منطقه تلاش می کند، انطباق دارد.

بوجود آمدن این امکان برای صلح در منطقه، در این شرایط بیش از همه در راستای منافع خلق نیکاراگوئه و بهزیان امپریالیسم آمریکا وضیاء انقلابیون "گنتر" است. آمریکا تلاش دارد به کمک هم دستاش در منطقه مانع تحقق آن شود. در همین رابطه رونالد ریگان، اعلام کرده است که کمک دشمنان انقلاب نیکاراگوئه را ادامه خواهد داد. اما تجربه بیش از ۷ سال گذشته نشان داد که ایمن کمکیا نه تنها به نتیجه نرسید، بلکه بر عکس حتی آن اندازه تا شین داشت که بتواند مانع شرکت متحدان منطقه ای آمریکا در اجلاس گواتمالا امضای موافقت نامه مذکور شود.

بر این مشکلات می فزاید. تنها با استقرار ملج و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق است که راه برای حل بنیادی مشکلات اقتصادی زحمتکشان هموار می شود.

اتحاد شوروی صلح و ... بقیه از صفحه اول

و امضا توسط آرام است که در مرداد سال گذشته (ژوئیه ۱۹۸۶) توسط رهبران کشور دزولادی و سگانه صورت گسترده ای اعلام شد. آمریکا تاکنون در برابر تلاشهای پیگیر و مصمانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در راه قطع مسابقه تسلیحاتی و صلح سلاح، با دفع الوقت و مانورهای تبلیغاتی، عملا از مفای قرار دادهای مشخص سر باز زده است. دولت ریگان، اخیرا در مقابل آمادگی کامل اتحاد شوروی برای نابودی تمام موشکیهای میان برد در اروپا و آسیا و زمین بردن موشکیهای عملیاتی در کاتیکی که با استقبال افکار عمومی جهان روبرو شده، نیز همین شیوه را در پیش گرفته است.

طی یک سالی که از راه پیشینا ددر ولادی و ستوک می گذرد، این درک در منطقه تقویت شده که صلح مناقشات موجود از طریق جنگ امکان پذیر نیست و امروز، علیرغم پیچیدگی روندهای جاری، تلاشهای مثبت از جانب کشورهای گوناگون در ارتباط با این درک تحرک تازه ای یافته است. استرالیا و لاندنو، قطعه با ادامه استیاضا های اخصی فرانسه در جنوب اقیانوس آرام مخالفت می کنند. خواست پاکسازی شبه جزیره کره از سلاح هسته ای آج می گیرد. در آسیا ریکا تشویق ها با تلاش و حمایت وسیع توده های، مناطق عاری از سلاح هسته ای بوجود آمده است. جمهوری خلق چین نیز بطور فعال از قطع سلاح عمومی سخن می راند. عنصریون مهم دیگری که در رابطه با تقویت این تلاشها با پیدا زان نام برد، برگزاری نخستین دیدار مشورتی اجزاب کمونیست چاگرکی آسیا و منطقه اقیانوس آرام زیر عنوان "صلح، امنیت، همکاری و حسن همجواری" است که در اواسط ترمه گذشته در پایتخت موزلس نام برگزار شد.

برنامه اتحاد شوروی برای صلح و همکاری در آسیا و اقیانوس آرام، از آنجا که دارای زمینه های واقعی بوده و مبتنی بر بنیاد طبیعی بشریت به ادامه حیات بر روی زمین است، با استقبال روز افزون کشورهای منطقه مواجه شده است.

سال تحصیلی جدید و مشکلات بی پایان

بیش از ۱۱ میلیون دانش آموز در آموزشگاهها حاضرند... برای سال تحصیلی جدید آماده می کنند... مشکلات آموزشی و معنوی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی...

یکی از بزرگترین ویرانگری های رژیم... انحطاط کف دانشمندی سیستم آموزشی... ارتجاعی و تاراج اندیشی فقهی... واداشن را در این عرصه... گزارش برون گزینی... مشکلات آموزشی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی...

بهران رژیم تا ثیرات مخرب خود را بردوش دانش آموزان و دانشجویان و میلیون ها خانواده... مشکلات آموزشی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

سرویس ها گران و بی کیفیت است... ویرانگر و بیگانه و مشکلات عدیده دیگر... از دانشجویان بیوژه دانشجویان شهرستانی... به ترک تحصیل وادار ساخت... این محرومیت ها و انگیزه اعتراضی دانشجویان... واداشن آموزش را دامن زده است... مشکلات آموزشی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی...

در سال تحصیلی جدید، گسترش بحران و تشدید نارضایتی... مبارزه در دانشگاهها و مدارس و فراهم می کند... بحران فزاینده درونی رژیم... مشکلات آموزشی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

درباره "لایحه تعدیل مالیات" کارمندان

چندی پیش مجلس آخوندها کلیات لایحه تعدیل حقوق کارمندان دولت تصویب کرد... مطالبه این لایحه کارمندان را که در پی فداکاریها و تحمل سختیها... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

قابل توجه اینکه، همین حداقل نییشتا میل حال کارمندان بخش خصوصی نمیشود... اعتراض مردم در این رژیم... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

به سرپا زان و نظا میان میهن پرست!

مشمولین وظیفه! خدمت سرپا زان بی بازگشت است... سرپا زان و پیا سدا زان وظیفه بسیجیان و نظا میان گروه در جبهه ها قربانی می شوند... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) آدرس: P1-10 1091 WIEN AUSTRIA حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN 9AWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!